

## خدمات نظامی علی علیه السلام

چون در طول چهارده سال دعوت پیغمبر صلی الله علیه و آله مواظب و نصایح آنحضرت که متکی بمنطق و استدلال بود...



ألا انما الاسلام لو لا حسامه

كعقطة عنز او قلامه حافر

(ابن ابی الحدید)

چون در طول چهارده سال دعوت پیغمبر صلی الله علیه و آله مواظب و نصایح آنحضرت که متکی بمنطق و استدلال بود در هدایت قبایل گمراه و بت پرست عرب مؤثر واقع نشد لذا فرمان جهاد بصورت آیاتی چند نازل گردید و از سال دوم هجرت تا مدت 9 سال که پیغمبر اکرم در قید حیات بود در حدود هشتاد جنگ و قتال با کفار و مشرکین و یهودیه‌های عربستان نموده است که در بعضی از آنها خود آنحضرت شخصا حضور داشته و آنها را غزوات گویند. فداکاری و از خود گذشتگی علی علیه السلام در این جنگها بر احدی پوشیده نماند و در اثر ابراز رشادت و شجاعت بی نظیرش او را ضیغم الغزوات و قتال العرب مینامیدند و جز جنگ تبوک که بدستور پیغمبر در مدینه مانده بود در تمام جنگها شرکت کرده و پرچم فتح و پیروزی همیشه در دست او بوده است. از غزوات مشهور و مهمی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با مشرکین و دشمنان اسلام نموده و علی علیه السلام نیز ابطال و فخرمانان عرب را در آن جنگها طعمه شمشیر خود ساخته است میتوان غزوه بدر واحد و غزوه بنی نضیر و غزوه احزاب (خندق) و غزوه خیبر و فتح مکه و جنگ حنین و طائف را نام برد. چون مقصود از نوشین این فصل شرح فداکاریها و خدمات نظامی علی علیه السلام است لذا از توضیح و علل وقوع جنگها صرف نظر کرده و فقط بمبارزات آنحضرت با ابطال و جنگ آوران عرب در صحنه‌های کارزار اشاره مینمائیم زیرا شرح زندگانی علی علیه السلام بدون اشاره بحضور او در میدانهای جنگ ناقص و بی لطف میباشد. غزوه مهم برای شناساندن نیروی بازوی آنجناب لازم و ضروری میباشد.

غزوه بدر:

اگر چه پیش از غزوه بدر جنگهای کوچکی (سریه) میان مسلمانان و مخالفین در گرفته بود ولی غزوه بدر اولین جنگی بود که مسلمان در آنجنگ آزمایش شدند و ترس مشرکین آنها را فرا گرفته بود و برای مقابله با آنان اکراه داشتند چنانکه خداوند در قرآن کریم فرماید:

كما اخرجك ربك من بيتك بالحق وان فريقا من المؤمنين لكارهون (1)

(همچنانکه پروردگارت ترا از خانه‌ات بحق برای جنگ با مشرکین بیرون آورد و گروهی از مؤمنین از مقابله با کفار اکراه داشتند) زیرا تعداد مشرکین در حدود هزار نفر بوده و با ساز و برگ کامل و اسبان یکدی برای از بین بردن مسلمین بفرماندهی ابوسفیان حرکت کرده بودند در صورتیکه عده مسلمانان 313 نفر بوده و اکثر آنها هم فاقد ساز و برگ بودند و بیش از هفتاد شتر و چند رأس اسب همراه نداشتند بالاخره در روز 17 ماه مبارک رمضان سال دوم هجری این دو گروه در محلی میان مکه و مدینه به نام بدر (نام چاهی است) در برابر هم قرار گرفتند و خداوند مؤمنین را بوسیله فرشتگان یاری نمود چنانکه فرماید: ولقد نصرکم الله بیدر و انتم اذلة (2) خداوند شما را در بدر نصرت نمود در حالیکه زبون و ناتوان بودید) ابتدا سه تن از مشرکین (عتبه و شیبه و ولید بن عتبه) بمیدان آمده و مبارز خواستند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را بمبارزه آنها فرستاد و عموی خود حمزه و عبیده بن حارث بن عبد المطلب را نیز دستور داد که بهمراه علی علیه السلام با آنها بجنگند علی علیه السلام بمحض برخورد با ولید که مبارز او بود وی را بقتل رسانید و سپس برای کشتن مبارزان همراهانش بسوی آنها شتافت چون آن سه تن کشته شدند ترس و دهشتی از مسلمانان در دل مشرکین قرار گرفت، آنگاه مبارزان دیگری بمیدان آمدند که اکثرشان بشمشیر علی علیه السلام زندگی را بدرود گفتند و رشادتهای آنحضرت جنگ بدر را به پیروزی مسلمانان خاتمه داد بطوریکه متجاوز از هفتاد تن از مشرکین قریب مقتول و هفتاد تن نیز اسیر گردیدند که عباس بن عبد المطلب و عقیل بن ابیطالب هم جزو اسراء بودند و با دادن فدیة آزاد شده و اسلام اختیار کردند و بنا به نقل مورخین بیش از نیم کشته شدگان مشرکین بشمشیر علی بوده (3) و بقیه هم بوسیله سایر مسلمین و فرشتگان نصرت بقتل رسیده بودند و از جمله کشته شدگان سرشناس قریب بدست آنحضرت عاص بن سعید و حنظله بن ابیسفیان (برادر معاویه) و عمیر بن عثمان (عموی طلحه) بودند. (4)

بالاخره جنگ بنفخ مسلمین و شکست مشرکین خاتمه یافت و مسلمین فاتحانہ بمدینه مراجعت کردند و نام نامی علی علیه السلام بعنوان شجاع بی نظیری در میان عرب بلند آوازه گشت و کسی را جرأت و یارای آن نبود که مقابله با او را حتی در اندیشه و ذهن خود مجسم سازد.

غزوه احد:

احد نام کوه بزرگ و مشهوری است که تقریباً در شش کیلومتری مدینه قرار گرفته و غزوه احد در ماه شوال سال سیم هجری در دامنه کوه مزبور واقع گردیده است. شکست قریب در غزوه بدر که موجب آبرو ریزی و از دست رفتن عده‌ای از رجال آنها شده بود زمینه را برای جنگ دیگری آماده میکرد زیرا خانواده کشته شدگان مانند عکرمة بن ابی جهل و صفوان بن امیه در مکه عزادار بوده و برای انتقامجویی، مردم مکه را برای مقابله و مقاتله مسلمین تحریص میکردند، ابوسفیان بن حرب که در رأس کفار قریب بود مردم را دور خود جمع نموده و برای اعاده حیثیت خود آنها را بجنگ آماده میساخت و حتی اموال شخصی خود را در اختیار آنان گذاشت که بمصارف جنگی برسانند. (5)

هند دختر عتبه و زن ابوسفیان نیز بهمراهی چند زن دیگر دف زنان مردم را بخونخواهی کشته شدگان خویش دعوت میکردند با این ترتیب ابوسفیان در حدود پنجهزار سوار و پیاده را تجهیز نموده و راه مدینه را با عده تحت فرماندهی خود در پیش گرفت.

چون رسول اکرم از این قضیه مطلع شد فوراً اصحاب را جمع آوری کرده و مطلب را با آنها در میان نهاد گروهی اظهار نمودند که باید در شهر مانده و حالت تدافعی گرفت ولی بعضی را عقیده بر این بود که باید از شهر بیرون رفت و بحمله پرداخت بالاخره مسلمین آماده جنگ شدند و خود پیغمبر صلی الله علیه و آله نیز لباس جنگ پوشید و با عده‌ای در حدود هفتصد نفر آماده مقابله با دشمن گردید و علی علیه السلام را هم بسمت پرچمداری تعیین فرمود همچنانکه در کلیه جنگها پرچمداری بعهد او بود

چون پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله باحد رسید برای اینکه از حمله ناگهانی و پشت سری دشمن غافل نباشد عده‌ای را (در حدود پنجاه نفر) تحت فرماندهی عبد الله بن جبیر بر دهانه شکافی که برای این کار مناسب بنظر میرسید گماشت و این پیش بینی پیغمبر نیز کاملا صحیح بود زیرا ابوسفیان هم خالد بن ولید را با جمعی تقریباً چهار برابر عده عبد الله در کمین آنها گذاشته بود که پس از در آویختن دو لشکر بهم از پشت سر بمسلمین حمله نماید.

باری جنگ شروع شد و بیشتر مبارزان قریش بدست علی علیه السلام کشته شدند و پرچمدار ابیسفیان بنام طلحة بن ابی طلحة مرد نیرومندی بود و او را کیش الکتیبه (قوچ لشگریان) میگفتند مبارزه علی علیه السلام آمد و آنحضرت چنان ضربتی بر کله او زد که چشمانش از حدقه بیرون افتاد و نعره زد و بهلاکت رسید سپس برادر طلحة پرچم را بدست گرفت و او نیز کشته شد و حمزه نیز با کمال رشادت مبارزان قریش را طعمه شمشیر خود میساخت و در اثر کشته شدن جنگجویان قریش شکست فاحشی در لشگریان دشمن نمودار شد و مسلمین با اینکه تعدادشان خیلی کمتر از آنها بودند بر آنها مسلط گشته و نسیم فتح و پیروزی بر پرچم اسلام وزیدن گرفت، مشرکین در حال فرار بودند و گروهی از مسلمین به تعاقب دشمن شتافته عده‌ای نیز مشغول جمع آوری اموال آنها گردیدند.

در اینموقع کسانی که بر دهانه دره گماشته شده بودند بی انضباطی کرده و بر خلاف دستور پیغمبر صلی الله علیه و آله از فرمان عبد الله سرپیچی نمودند و بگمان اینکه فتح مسلمین کاملاً حتمی بوده و ماندن آنان در محل مزبور لزومی ندارد پست نگاهیانی خود را ترک کرده و بیش از چند نفر از آنها در محل خود باقی نماندند.

خالد بنولید که منتظر چنین فرصتی بود با سواران خود راه دهانه را پیش گرفت و آن عده ناچیز را از بین برده و از پشت سر بمسلمین حمله نمود فراریان قریش که از پشت جبهه صدای خالد را شنیدند مجدداً مراجعت کرده و از دو طرف بر مسلمین حملات سختی بردند و چون تعداد مسلمین کم بوده و بحالت تفرقه و پراکنده جنگ میکردند شکستی بآنها روی داده و در نتیجه متواری گردیدند در این جنگ حمزه بن عبد المطلب بدرجه رفیقه شهادت رسید و جگرش را بدستور هند (مادر معاویه) از سینه‌اش در آوردند و آن ملعونه هم مقداری از آنرا در دهان گرفته و جوید و از آنروز به هند جگر خوار مشهور شد خود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از ناحیه پیشانی صدمه دید و دندان مبارکش شکست و بغیر از علی علیه السلام و دو نفر دیگر کسی مراقب آنحضرت نبود.

علی علیه السلام با حملات حیدرانه خود گروه مشرکین را از هر طرف که به پیغمبر حمله می‌آوردند پراکنده میساخت و خود را پروانه وار بدور شمع وجود آنجناب بگردش در می‌آورد.

فداکاری علی علیه السلام در جنگ احد صفحه درخشانی در تاریخ زندگانی او گشود که سطور طلائی آن با ندای جبرئیل که میگفت، لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی مزین گردید . (6)

شیخ مفید از عکرمه او نیز از خود علی علیه السلام نقل میکند که فرمود چون در غزه احد مردمان از اطراف پیغمبر صلی الله علیه و آله پراکنده شدند مرا بر آنحضرت چنان بی تابی فرا گرفت که هرگز نظیر آنحالت را در خود ندیده بودم پیش روی او شمشیر میزدم که یکمرتبه برگشتم و او را ندیدم با خود گفتم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرار نمیکند و در میان کشته شدگان هم او را ندیدم و گمان کردم که از میان ما باآسمان بالا رفته است پس غلام شمشیر را شکسته و با خود گفتم با این شمشیر برای دفاع از رسول خدا صلی الله علیه و آله آنقدر قتال میکنم تا کشته شوم و بر آن جماعت حمله کردم آنها از جلو شمشیر من گریخته و راه باز کردند که ناگاه دیدم پیغمبر صلی الله علیه و آله بیهوش بزمین افتاده است بالای سرش ایستادم چشمان مبارکش را باز کرد و بسوی من نگریست و فرمود: ای علی مردم چه کردند؟

عرض کردم یا رسول الله آنها کافر شدند و بدشمن پشت کرده و ترا وا گذاشتند پیغمبر نگاه کرد و دید جمعی از لشگریان دشمن بسوی او می‌آیند بمن فرمود یا علی اینها را از من دور گردان من بدانها حمله کرده از چپ و راست شمشیر زدم تا آنها فرار کرده و تار و مار شدند . پیغمبر فرمود یا علی آیا مدح خود را در آسمان نمیشنوی که فرشته‌ای بنام رضوان ندا میکند : لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی؟ من اشگ شادی ریختم و خداوند سبحان را بر این نعمت سپاسگزاری کردم. (7)

استقامت و پایداری علی علیه السلام و چند نفر دیگر که ثابت قدم مانده بودند موجب شد که مشرکین از مدینه چشم پوشیده و راه مکه را در پیش گرفتند. علی علیه السلام با اینکه خود بشدت مجروح بود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را از نظر دور نداشت و برای شستن دست و روی آنحضرت با سپر خود آبی تهیه کرد و چون رسول خدا دست و روی خود را شست فرمود غضب خدا بر آن قومی که رخسار پیغمبر خود را خونین کردند. (8)

غوغای جنگ فرو نشست و از گروه مسلمین هفتاد نفر مقتول و بقیه نیز فرار کرده بودند و تنها قهرمان نامی این جنگ که افتخار فتوت را در سایه این فداکاری بی نظیر بدست آورده بود علی علیه السلام بود که چندین زخم مرد افکنی به بدن مبارکش اصابت کرده بود که هر يك از آنها به تنهای قادر بود يك مبارز نامی را از پا در آورد کثرت زخمها و جای شمشیرها در بدن آنحضرت همه را به تعجب و حیرت انداخته بود که يك جوان 26 ساله با تن آغشته بخون چگونه هنوز زنده مانده است ولی آنها نمیدانستند که يك روح بزرگ و قوی و يك ایمان خالص و محض در آن پیکر زخم‌دار وجود داشت که آنهمه سختی‌ها و ناملاپمات را با کمال رضایت و خرسندی تحمل مینمود.

نبی اکرم بمدینه مراجعت فرمود و حضرت زهرا علیها السلام با ظرف آبی که برای شستن صورت پدرش در دست داشت آنحضرت را استقبال کرد علی علیه السلام نیز در حالیکه دستش تا بازو خون آلود بوده رسید و ذوالفقار را بغاطمه داد و فرمود خدی هذا السیف فقد صدقتی الیوماین شمشیر را بگیر که امروز (ایمان و شجاعت) مرا تصدیق نمود سپس فرمود:

أفأطم هاک السیف غیر ذمیم

فلست برعید و لا بملیم

لعمری لقد اعذرت فی نصر احمد

و طاعة رب بالعباد علم

أمیطی دماء القوم عنه فانه

سقی ال عبد الدار کأس حمیم

ای فاطمه بگیر این شمشیر را که نکوهیده نیست و من ترسو و لرزان و ملامت کننده نیستم (در انجام وظیفه‌ام کوتاهی نکرده‌ام که خود را ملامت کنم) بیجان خودم سوگند در باری پیغمبر و طاعت پروردگاری که باعمال بندگان دانا است کوشش نمودم، خونهای مردمان را از این شمشیر پاک کن که این شمشیر جام مرگ را بخاندان عبد الدار (پرچمداران قریش) خورانید .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز بغاطمه علیها السلام فرمود.

خدیبه یا فاطمه فقد ادى بعلک ما علیه و قد قتل الله بسیفه صنادید قریش.

ای فاطمه بگیر شمشیر را که شوهرت امروز دین خود را اداء نمود و خداوند بوسیله شمشیر او بزرگان قریش را نابود ساخت. (9) شکستی که در این جنگ بمسلمین

رسید در نتیجه يك بى انضباطى كوچك و عدم دقت در اجراء دستور نظامى پيغمبر صلى الله عليه و آله بود و در عين حال تجربه تلخى بدست آنها داد كه بعدها براى آنان مورد عبرت قرار گرفت و آيه شريفه نيز باين موضوع اشاره فرمايد:  
و لقد صدقكم الله وعده اذ تحسونهم باذنه حتى اذا فشلتم و تنازعتم فى الامر و عصيتم من بعد ما اريكم ما تحبون منكم من يريد الدنيا و منكم من يريد الاخرة ثم صرفكم عنهم ليبتليكم و لقد عفى عنكم و الله ذو فضل على المؤمنين. (10)  
غزوه بنى نضير:

پس از پايان غزوه احد بعضى از ساكنين محلى مدينه مانند طوايف يهود بنى نضير و بنى قريظه از اين پيشامد خوشحال شده و بعضى از قبائل هم كه پيمان دوستى و يا پيمان عدم تعرض با پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله بسته بودند نقض عهد نمودند.  
بنا بر اين جنين بنظر ميرسيد كه پيش از جنگ با قريش لازم است نفوذ و امنيت كامل را در مدينه برقرار نمود و سپس بدفع قريش پرداخت لذا در سال چهارم هجرى كه فاصله ميان غزوه احد و خندق بود مسلمين آماده قتال با بنى نضير شده و براى محاصره آنها در ربيع الاول سال مزبور از مدينه بيرون شدند.  
فرمانده اين ستون اعزامى على عليه السلام بود كه با رشادت و شجاعت ويژه خود آنها را مجبور به تسليم نمود و پيمان بستند كه پيغمبر صلى الله عليه و آله از خون آنان در گذرد و آنها نيز از حومه مدينه خارج شده و بشام روند. (11)  
رسول خدا صلى الله عليه و آله اين شرط را پذيرفته و دستور داد كه هر سه نفر يك شتر ببرند و اموال خود را نيز بر آن شتر بار نهند، پس از خروج بنى نضير از مدينه اموال و اراضى زراعى آنها نصيب مسلمين گرديد. اين واقعه كه پس از غزوه احد روى داد براى تحكيم موقعيت مسلمين بسيار مناسب بوده و پيغمبر صلى الله عليه و آله با كمال قدرت و مهارت و تدبير توانست در مدت كمى نفوذ از دست رفته را جبران نمايد و بر وسعت قلمرو و اقتدار خود افزوده و دشمنان دين را منكوب سازد.  
پى نوشتها:

(1) سوره مباركه انفال آيه 5

(2) سوره آل عمران آيه 123.

(3) شيخ مفيد در كتاب ارشاد اسامى 36 نفر را كه بدست على عليه السلام كشته شده اند ثبت نموده است.

(4) ارشاد مفيد باب 2 فصل 18 كشف الغمه ص 53 اعلام الورى و كتب ديگر.

(5) تاريخ طبرى.

(6) سيرة ابن هشام جلد 2 ص 100 تاريخ طبرى.

(7) ارشاد مفيد جلد 1 باب دوم فصل 22 حديث 6 اعلام الورى.

(8) تاريخ يعقوبى.

(9) كشف الغمه ص 56 ارشاد مفيد جلد 1 باب 2 فصل 22 اعلام الورى.

(10) سوره آل عمران آيه 152 و آيه هاى بعد.

(11) تاريخ طبرى.